

گزیده ای از

«تبارنامه برخی خاندان های کرمانی»

www.ketab.ir

مهدی ایرانی کرمانی



سرشناسه: ایرانی کرمانی، مهدی، ۱۳۲۰-

عنوان و نام پدیدآور: گزیده ای از تبارنامه برخی خاندان های کرمانی / مولف مهدی ایرانی کرمانی.

مشخصات نشر: کرمان: مرکز کرمان شناسی : بنیاد ایران شناسی، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۳۷۸ ص شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۰۱۱-۱۱-۱

موضوع: کرمان (استان) - نسب نامه موضوع: Kerman (Iran: Province)—Genealogy

شناسه افزوده: بنیاد ایران شناسی شناسه افزوده: مرکز کرمان شناسی

رده بندی کنگره: DSR ۲۰۴۷ وضعیت فهرست نویسی: فیبا

رده بندی دیویی: ۹۵۵/ ۷۲ شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۱۶۷۸۳



عنوان کتاب: گزیده ای از تبارنامه برخی خاندان های کرمانی
مولف: مهدی ایرانی کرمانی
ناشر: مرکز کرمان شناسی با همکاری بنیاد ایران شناسی
مدیر مسئول: سید محمد علی گلابزاده

شماره انتشار: سیصد و دوازدهمین (۳۱۲)

تنظیم و صفحه آرایی: لیلا گهرگزی

طرح روی جلد: علی خسروی

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۰۱۱-۱۱-۱

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۰

قیمت: ۹۶۰۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: چاپ هنگام

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است

آدرس: کرمان - خیابان ابن سینا - مرکز کرمان شناسی ۴-۳۲۲۶۹۵۸۱-۳۴

فهرست مطالب

۷.....	مقدمه
۱۱.....	سپاس نامه
۱۳.....	پیشگفتار
۴۳.....	خاندان های آگاه و مرشد
۵۷.....	خاندان ابراهیمی
۷۳.....	خاندان ابوسعیدی
۸۱.....	خاندان احمدی
۸۷.....	خاندان ارجمند
۹۹.....	خاندان اسفندیاری
۱۱۳.....	خاندان افشارهای جنوب
۱۲۳.....	خاندان افشارهای شمال
۱۲۷.....	خاندان امین زاده
۱۳۵.....	خاندان ایرانمنش
۱۴۱.....	خاندان بهادر (ی)
۱۵۱.....	خاندان بهرامپور
۱۶۱.....	خاندان بهزادی
۱۷۳.....	خاندان جلالپور
۱۸۳.....	خاندان رشید فرخی
۱۹۳.....	خاندان روحی
۲۰۳.....	خاندان های رودباری

۲۱۵.....	زرتشتیان کرمان.....
۲۲۷.....	خاندان‌های سام‌زاده، صالحی، تهرانی، اصفهانی.....
۲۳۷.....	خاندان‌های (سیستانی) سیف‌الدینی، زابلی، شمس‌المعالی، فروتن زابلی.....
۲۴۹.....	صنعتی‌زاده.....
۲۶۱.....	خاندان صولت‌زاده.....
۲۶۷.....	خاندان عامری.....
۲۷۹.....	خاندان‌های قطب‌آبادی.....
۲۹۱.....	خاندان کلاتری.....
۳۰۱.....	خاندان منشی‌زاده.....
۳۰۹.....	خاندان‌های نفیسی، ایرانی.....
۳۳۹.....	خاندان وزیری.....
۳۳۹.....	خاندان هرندی.....
۳۵۷.....	خاندان هروی.....
۳۶۵.....	خاندان یاسایی.....
۳۷۳.....	گاهشمار تاریخی در ارتباط با رخداد‌های کرمان.....
۳۷۵.....	کتابنامه.....

مقدمه

معیار و محک صاحبان تفکر و اندیشه، برای ارزش‌گذاری سرزمین‌ها، بستر تاریخی و شخصیت‌ها و بزرگانی است که از آن دیار برخاستند و نام و نشانی از خود بر جا گذاشتند. جنبه‌های مثبت و منفی این دو مقوله، زمینه‌ساز داوری و قضاوت اهل خرد است. بستر تاریخی همان پیشینه‌ای است که رِد پای هر ملت و سرزمین را نشان می‌دهد و شخصیت‌ها نیز کسانی هستند که در گذر آن روزگاران چگونگی سرزمین خود را در فراخنای تاریخ رقم زدند.

وقتی نام بزرگانی چون ویکتور هوگو، ارسطو، افلاطون، فردوسی، حافظ و سعدی و... را می‌شنویم، در کنار تصویری از عظمت این فرزندگان آسمانی، شعاع نگاه‌مان به سوی دامانی ره می‌برد که پروردگاه آنان بوده است، سرزمینی که توانست بستری برای رشد و کمال‌یابی فرزندان‌ش فراهم سازد، آنگاه این آرزومندی به همراه خود یک پرسش را ایجاد می‌کند که آیا این سلسله همچنان تداوم خواهد یافت و گاهواره‌ای که نام‌آوران پیشین در آن پرورش یافتند، همچنان در حرکت است، یا چندی است که بر زمین افتاده و تنها سایه‌ای از آن بر جا مانده؟

برخی بر این باورند که بالیدن به نیاکان و سان دیدن از صفوف در هم فشردۀ بزرگان پیش از این، یعنی باقی ماندن در روزگار کودکی و قانع شدن به سرمایه‌های گذشته و این همان اندیشه‌ای است که به پیدایی این ضرب‌المثل انجامید: گیرم پدر تو بود فاضل / از فضل پدر، تو را چه حاصل؟

اما در این بحث و جدل، حدّ میانه‌ای نیز وجود دارد که از عقلانیت بیشتری برخوردار است و آن اینکه: امروز بر شانه‌های دیروز، و فردا بر شانه‌های امروز استوار است. فقدان هویت و نداشتن ریشه و اصالت، هرگز افتخار نیست، به همین دلیل در روزگار خودمان شاهد بوده و هستیم که برخی همسایگان، تلاش کردند تا عده‌ای شخصیت‌های ایرانی مانند - سید جمال الدین اسدآبادی - را از آن خود سازند و بعضی از کشفیات این سرزمین را با ارقام قابل توجهی خریداری و برای خود

تاریخ‌سازی کنند پس بیاییم گذشته‌ها را برای فرازی تا بیکران‌ها، پشتوانه خود قرار دهیم و با ابزار این چنین، پاسخگوی نقادانی باشیم که بر روزگار پیشین، خط بطلان می‌کشند.

اما کرمان، یعنی سرزمینی که سخن آن در این اثر جاری است، از هر دو سو نسب دارد، نخست اینکه شکنج چهره‌اش یادآور قرن‌ها و هزاره‌هایی است که از دهلیزهای تاریخ عبور کرده و پیشانی بلندش شناسنامه آفتاب است، کرمانی که تنها پیشینه تجارت و بازرگانی آن عمری یازده هزار ساله دارد و برای آنها که «با هفت هزار سالگان هم‌سفرند» رجزخوانی می‌کند و حریف می‌طلبد.

از سوی دیگر دامان این سرزمین، همواره پرورشگاه مردان و زنانی بوده است که هر یک به‌تنهایی به عنوان مفخر یک جامعه بسنده می‌کنند، زیرا اینان در میان دشواری‌ها قد برافراشتند و نام‌آور شدند و فریاد برآوردند که

ما زاده نجیب کویریم کن اول نوشانده زندگی ز سبوی بلایمان

به سخنی دیگر، اینان از سبوی بلا نوشیدند و از جرعه عزت و بالندگی، نوشاندند و سرانجام، آغازگر تباری شدند که فرزندان و جامعه آنها همواره به وجودشان بنازند و ببالند. به طور مثال، احمدعلی خان وزیری و میرزااحسین وزیر سر سلسله خاندان وزیری‌ها شدند، ابراهیم خان ظهیرالدوله که تبار ابراهیمی‌های کرمان یادگار اوست، محمداسماعیل خان اسفندیاری نوری که خاندان اسفندیاری عقبه او هستند و ...

در این میان، اگر قرار باشد برترین آغازگران تبارهای کرمانی را معرفی کنیم، مرغ اندیشه جز بر بام «برهان‌الدین نفیس بن عوض» نمی‌نشیند، مردی که از گوشه گمنامی از این دیار برخاست، در کورسوی دانش آن روز، تلاش کرد و خون دل خورد و سرانجام به جایی رسید که آلف بیگ تیموری او را به مرکز حکومتی خویش فراخواند و زمینه رشد و ترقی برهان‌الدین فراهم شد و به مدد حضور این حکیم فرزانه، تاکنون بیش از هزار و دویست پزشک از نسل او به تاریخ همیشه سرافراز ایران عزیز تقدیم شده که یکی از آنها ناظم الاطباء کرمانی، پزشک ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه و نیز بانی بیمارستان‌های رضوی مشهد و سینای تهران و ... است.